

لازم را در تدریس سبک‌ها و کتاب‌های متفاوت آموزش مفاهیم به‌دست آورند. تفاوت‌های اندکی که گاهی در سبک‌های متفاوت دیده می‌شود، اهمیت چندانی ندارد و با استفاده از کتاب‌های راهنمای معلم هریک از آن مجموعه‌ها، قابل درک است.

کلیدواژه‌ها:

آموزش مفاهیم، چپستی، چرایی، چگونگی، قرآن کریم، ترجمه.

بخش اول: محتوا و سازماندهی آن

منظور از محتوا مجموعه مطالب و مفاهیمی است که به‌صورت متن، تصویر، صوت، جدول و مانند آن به شکل مکتوب یا الکترونیک در اختیار فراگیر قرار می‌گیرد. محتوا اصلی‌ترین مضامین یادگیری را در خود دارد و شامل همه بخش‌های مربوط به مطالب اولیه آموزش، تمرین‌ها، پژوهش، فعالیت‌های مکمل و ... می‌شود.

در برخی از منابع مربوط به علوم و فنون تدریس در تعریف محتوا چنین آمده است: «محتوا اصول و مفاهیمی هستند که به شاگردان ارائه می‌شود تا ورود آنان را به فعالیت‌های آموزشی، میسر و رسیدن آنان را به هدف‌های اجرایی امکان‌پذیر سازد. محتوای آموزشی باید براساس هدف‌های آموزشی معین، تهیه و تنظیم شود. مطالب و فعالیت‌های پیشنهادی باید دقیقاً با هدف‌های کلی، جزئی و رفتاری مطابق و همسو باشد تا تحقق آن را امکان‌پذیر سازد؛ به عبارت دیگر، رفتارهایی که در هدف‌های اجرایی ذکر می‌شوند، باید راهنمای گزینش محتوای آموزشی قرار گیرند»^۲.

سازماندهی محتوا گاهی ناظر به یک واحد آموزشی و گاهی مربوط به آموزش از آغاز تا پایان است. سازماندهی شامل ورودی‌های مناسب و برانگیزنده، پیوستگی منطقی مفاهیم و تقدم و تأخر مطالب نسبت به یکدیگر و یادگیری آن‌ها، حرکت از ساده به مشکل، حرکت از عینی و کاربردی به انتزاعی و کلی، تکرارهای مناسب، تمرین و یادآوری و ... است.

اصول حاکم بر انتخاب محتوا و سازمان‌دهی آن

هرچند معمولاً مریبان براساس کتاب‌های تألیف‌شده مفاهیم را آموزش می‌دهند و وظیفه انتخاب و سازمان‌دهی محتوا برعهده برنامه‌ریزان و مؤلفان است، اما آشنایی با این اصول برای مریبان نیز مفید و ضروری است، زیرا ممکن است برخی



چگونگی آموزش مفاهیم قرآن کریم

مسعود وکیل

مؤلف کتاب‌های آموزش قرآن

اشاره

در دو مقاله قبل با چپستی (تعریف) و چرایی (ضرورت) «آموزش مفاهیم» آشنا شدیم و اینک به‌بیان چگونگی این آموزش می‌پردازیم. مطالب این مقاله در سه‌بخش محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی ارائه می‌شوند.^۱ تذکر این نکته ضروری است، آموزش مفاهیم قرآن با تعریفی که از آن ارائه شد، یعنی آموزشی که مبتنی بر فراگیری زبان عربی به‌صورت سنتی با رایج در چارچوب آموزش صرف و نحو عربی نباشد، سابقه طولانی ندارد. در گستره محدود، به چند دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در گستره نسبتاً وسیع به دهه‌های اخیر بازمی‌گردد. در این آموزش سبک‌ها و روش‌های متنوعی ارائه نشده‌اند و آثاری که به‌ویژه در دهه اخیر از کثرت و تنوع برخوردار شده‌اند، معمولاً در مبانی، اصول و حتی روش‌ها، تا حدود زیادی یکسان یا نزدیک به هم هستند. از این‌رو سعی بر آن است که آنچه در این فصل بیان می‌شود، ناظر به سبک و روش خاصی نباشد، بلکه با بیان اصول و روش‌های کلی، مباحثی ارائه شوند که خوانندگان و مریبان گرامی ضمن آشنایی با آن‌ها، بتوانند به‌تدریج توانایی

بخواهند مفاهیم قرآن را مبتنی بر مصحف شریف تدریس کنند و نه براساس کتاب‌های تألیف‌شده. در این صورت آشنایی با این اصول، توفیق بیشتر آن‌ها را در تدریس به همراه خواهد داشت. به علاوه، در همه کتاب‌های آموزش مفاهیم این اصول به‌طور کامل رعایت نشده‌اند.

از این‌رو آگاهی از آن‌ها موجب می‌شود مربی حتی آن کتاب‌ها را بهتر تدریس کند. مربی می‌تواند با تأکید بیشتر روی برخی بخش‌های محتوا، این اصول را کامل‌تر رعایت کند تا نتیجه بهتری به‌دست آید.

در این قسمت به بیان تعدادی از مهم‌ترین اصول انتخاب محتوا و سازمان‌دهی آن در آموزش مفاهیم قرآن و ارائه مثال‌هایی برای هر یک می‌پردازیم.

تناسب با سن، تحصیلات، فهم و ظرفیت ذهنی قرآن آموزان

مهم‌ترین ویژگی محتوا آن است که با سطح درک مخاطب تناسب داشته باشد. در غیراین صورت آموزش معنادار نخواهد بود و یادگیری به معنای دقیق روان‌شناختی اتفاق نمی‌افتد. نباید یادگیری را با مجموعه‌ای از مطالب حفظ‌شده اشتباه کرد.

از این‌رو لازم است با شناخت ویژگی‌های روانی و ذهنی کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، مجموعه آیاتی را برای آموزش مفاهیم انتخاب کرد که برای آن‌ها قابل فهم و درک باشند. البته خوشبختانه بسیاری از موضوعات و آیاتی که در قرآن کریم آمده‌اند یا مسائل کلی هستند که به عموم انسان‌ها مربوط می‌شوند یا مسائلی هستند که امکان ساده‌سازی دارند. برای مثال، آنچه به توحید، آفرینش، نعمت‌ها، یاد خدا و...

مربوط می‌شود، عموماً این قابلیت را دارد که حتی برای کودکان ساده‌سازی شود. در عین حال بهتر است به‌جای پرداختن به آیاتی مانند «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» (حدید/۳)، «و لا تکنونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم» (حشر/۱۹)، «قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الالسماء الحسنی» (اسراء/۱۱۰): و... به آیاتی که درباره خلقت آسمان‌ها و زمین و وجود آیات الهی در آفرینش (بقره/۱۶۴) اشاره دارند، یا آیه شریفه‌ای مانند «فادکرونی اذکرکم و اشکروالی و لا تکفرون» پرداخت. یا در بحث حیات اخروی و مسائل آن، آیاتی که این موضوع در آن‌ها به‌طور کلی بیان شده، یا پاداش و کیفر کارهای خوب و بد انسان آمده است، آموزش داده شوند. در این موضوع احتمالاً آیه شریفه «الله یتوفی الانفس حین موتها» (زمر/۴۲) برای کودکان و جوانان یا

کسانی که از مقدمات لازم علمی برخوردار نیستند، مناسب نیست یا اولویت ندارد.

در صورتی که مفاهیم براساس متن کامل مصحف شریف آموزش داده می‌شود، بهتر است از مجموعه آیات مربوط به یک جلسه، آن گروه از عبارات و آیات برای آموزش مفاهیم انتخاب شود که با فهم و توان فکری و ذهنی قرآن‌آموزان تناسب دارد؛ هرچند که بیان معنا و شرح مختصری درباره سایر آیات بلامانع است.^۳

تذکر این نکته ضروری است که شرح مختصر آیات با آموزش مفاهیم تفاوت‌هایی دارد و البته هرکدام در جای خود و با توجه به هدف موردنظر مفید است.

تناسب با علاقه‌ها و نیازهای قرآن آموزان

موضوع آموزش باید مورد علاقه و نیاز مخاطب باشد. در آموزش مفاهیم قرآن، حتی‌الامکان باید آیاتی انتخاب شوند که علاوه بر نیازهای بلندمدت، با نیازهای فعلی قرآن‌آموزان نیز تناسب داشته باشند. از این‌رو توصیه می‌شود، برای کودکان و نوجوانان بیشتر عبارات و آیاتی انتخاب شوند که در موضوعات اعتقادی به مسائل کلی توجیدی، نعمت‌های خدا، شکر نعمت‌ها، یاد خدا و آثار آن در رفتار نیک، پیامبران به‌عنوان بهترین الگوهای انسان‌ها و نیز عبادات و آیات با مضامین اخلاقی و رفتاری، و برای بزرگسالان نیز، علاوه بر مسائل اعتقادی و اخلاقی، به مسائل اجتماعی که موردنیاز آن‌هاست، پرداخته شود.

حرکت از ساده به مشکل

این اصل بدیهی، گاهی به معنا و مفهومی ناظر است که در اصل اول بیان شد، یعنی موضوع و مضمون آیات منتخب باید برای مخاطب روشن و قابل فهم باشد و به تدریج مسائل عمیق‌تر بیان شوند، و گاه ناظر بر قالب و شکل آیات است. در این صورت رعایت ویژگی‌های زیر در انتخاب عبارات و آیات به‌ویژه در سطوح و دروس اولیه ضروری است، ولی به تدریج می‌توان عبارات دیگر را نیز آموزش داد:

اول) کوتاهی عبارات: منظور جملاتی است که از سه یا چهار کلمه تشکیل می‌شوند. در قرآن کریم دهها عبارت و آیه ساده وجود دارد که از کوتاهی و سادگی کامل برخوردارند. در مراحل اولیه آموزش باید این‌گونه عبارات را انتخاب کرد. حتی اگر به آموزش آیات و قطعات بلندی از قرآن پرداخته‌ایم، از میان همان آیات، عبارات کوتاه انتخاب شوند. نمونه‌ای از این‌گونه عبارات به شرح

لازم است با شناخت ویژگی‌های روانی و ذهنی کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، مجموعه آیاتی را برای آموزش مفاهیم انتخاب کرد که برای آن‌ها قابل فهم و درک باشند. البته خوشبختانه بسیاری از موضوعات و آیاتی که در قرآن کریم آمده‌اند یا مسائل کلی هستند که به عموم انسان‌ها مربوط می‌شوند یا مسائلی هستند که امکان ساده‌سازی دارند



زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

الرحمن الرحيم

مالك يوم الدين (حمد/ ۱ تا ۴)

لا اله الا الله (سوره محمد(ص)/ ۱۹)

والله غفور رحيم (بقره/ ۲۱۸)

والله ولي المؤمنين (آل عمران/ ۶۸)

قل الله خالق كل شيء (انعام/ ۱۶۴)

و قال موسى يا فرعون انى رسول من رب

العالمين (اعراف/ ۱۰۴)

محمد رسول الله (فتح/ ۲۹)

رب المشرق و المغرب لا اله الا هو (مزمّل/ ۹)

الله ربنا و ربكم (شورى/ ۹۵)

در صورتی که صفحه یا قطعه‌ای از مصحف

شریف متن آموزشی باشد نیز می‌توان از همان

صفحه این‌گونه جملات و عبارات کوتاه را انتخاب

کرد. مثلاً از صفحه ۴ قرآن کریم، بیش از ۱۰ جمله

کوتاه و ساده مانند جملات زیر قابل آموزش است:

- ان الله على كل شيء قدير

- يا ايها الناس

- اعبدوا ربكم

- الذى خلقكم

والذين من قبلكم

- لعلكم تتقون

- الذى جعل لكم الارض فراشا

- و السماء بناءً

- و انزل من السماء ماءً

نکته قابل توجه آن است که معمولاً می‌توان

آیات را به جملات کوتاه تقسیم کرد. در این

صورت آموزش آن‌ها ساده‌تر می‌شود.

فعالیت: از صفحه ۱۲ قرآن کریم چه جملات

و عبارات کوتاهی را برای آموزش مفاهیم مناسب

می‌دانید؟

دوم) سادگی عبارات: هرچند کوتاهی عبارت

یکی از عوامل سادگی است، اما سادگی شرایط

دیگری نیز دارد. یکی از مهم‌ترین شرایط سادگی

عبارت آن است که پس از ترجمه کلمه به کلمه،

با کمترین تغییر و اضافات، معنایی روشن و واضح

داشته باشد. عباراتی که در قسمت قبل آورده

شدند، معمولاً چنین‌اند؛ اما ممکن است معنای

عبارتی در عین کوتاه بودن خیلی روشن نباشد؛

مانند:

هم درجات عندالله (آل عمران/ ۱۶۳)

فى السماء رزقكم (ذاریات/ ۲۲)

لا ظلم اليوم (غافر/ ۱۷)

به این ترتیب در انتخاب عبارات و آیات به‌ویژه

در دروس اولیه و نیز با توجه به شرایط سنی و

تحصیلات قرآن آموزان، حتی‌الامکان باید عبارات

و آیاتی انتخاب شوند که از ساختار و نیز معنای

روشن و ساده‌ای برخوردار باشند.

سوم) تقدم انتخاب عبارات متشکل از

اسم بر عبارات شامل فعل: بدیهی است

که به‌خاطر سپاری معنای اسم از فعل به مراتب

ساده‌تر است. فعل علاوه بر معنای مصدری، دارای

زمان و شخص (غایب، مخاطب و متکلم) نیز هست.

برای مثال، فعل «خلقنا» هم معنای مصدری یعنی

«خلق» به معنای «خلقت» یا «آفرینش» را شامل

می‌شود و هم بر زمان ماضی و شخص متکلم جمع

دالالت دارد. از این‌رو معنای آن می‌شود: «آفریدیم.»

به همین دلیل بهتر است در مراحل اولیه آموزش

جملات و عباراتی از قرآن کریم را انتخاب کرد که

کاملاً یا بیشتر، از اسم تشکیل شده‌اند. عباراتی که

در قسمت قبل آمده‌اند، عموماً فقط از اسم تشکیل

شده‌اند.

به این ترتیب کوتاهی عبارت، عدم نیاز به

تغییرات و اضافات پس از ترجمه کلمه به کلمه، و

مشتمل بودن بر اسم به جای فعل، سه عامل مهم

در سادگی عبارات قرآنی است.

انتخاب عبارات و آیات متشکل از کلمات

پروکاربرد قرآنی

قرآن کریم از حجم محدودی از آیات و عبارات

تشکیل شده است. یکی از تفاوت‌های اولیه و

روشن درک معنای آیات قرآن کریم با آموزش

زبان عربی در همین امر است. وقتی هدف فهم

قرآن است، همین موضوع موجب استفاده از

روش‌های خاص و اولویت دادن اموری بر امور

دیگر می‌شود.

قرآن کریم تقریباً ۷۸۰۰۰ کلمه دارد. این تعداد

کلمه، از حدود ۱۱۰۰۰ کلمه غیر تکراری تشکیل

شده که هر کلمه از آن، حداقل یک‌بار در قرآن

کریم به‌کار رفته است. نکته قابل توجه اینکه کمتر

از ۱۰۰۰ کلمه از این ۱۱۰۰۰ کلمه حدود ۷۰ درصد

کل قرآن را تشکیل می‌دهد. یعنی با آموختن

معنای این کلمات، قرآن‌آموز به‌طور متوسط

می‌تواند معنای بیش از دوسوم کلمات هر صفحه

از قرآن کریم را درک کند. البته این مطلب بدان

معنا نیست که او می‌تواند معنای بیش از دوسوم

عبارات و آیات قرآن کریم را درک کند. زیرا برای

درک معنای یک جمله، به دانستن مطالبی بیش

به این ترتیب
کوتاهی عبارت،
عدم نیاز به
تغییرات و
اضافات پس از
ترجمه کلمه به
کلمه، و مشتمل
بودن بر اسم به
جای فعل، سه
عامل مهم در
سادگی عبارات
قرآنی است



از معنای کلمات آن جمله نیاز است. پرواضح است اولین شرط دانستن معنای یک متن یا یک عبارت، دانستن معنای کلمات یا مفردات آن است. هرگاه قرآن آموز معنای کلمات یک عبارت را بداند و نسبت به آنها بیگانه نباشد، رغبت و انگیزه بیشتری برای فهم آن خواهد داشت. این اصل به طور طبیعی آموزش معنای کلمات پر کاربرد قرآن را در اولویت قرار می دهد. ضمناً از آنجا که یادگیری معنای کلمات پر کاربرد در قالب یادگیری معنا کردن عبارات و جملات قرآنی به دست می آید، قرآن آموز به تدریج نکات و ظرایفی را که برای فهم معنای عبارات - علاوه بر معنای کلمات - نیاز دارد، می آموزد.

تجارب موجود نشان می دهد، آن حجم از فعالیت های یادگیری که طی آن، یادگیری معنای کلمات پر کاربرد اتفاق می افتد، اگر به درک ۷۰ درصد عبارات قرآن کریم منجر نشود، می تواند موجب فهم حداقل نیمی از قرآن کریم شود. این توفیق بسیار ارزشمند و چشمگیر است.^۴

این اصل ما را به دو نکته بسیار مهم هدایت می کند:

الف) در تدوین متون آموزشی مفاهیم، انتخاب عبارات و آیاتی که شامل تعداد بیشتری از کلمات پر کاربرد هستند، اولویت دارد.

ب) در صورت استفاده از آیات و قطعات پشت سرهم در آموزش مفاهیم (مثلاً صفحات کامل مصحف شریف)، یادگیری معنای کلمات پر کاربرد نسبت به سایر کلمات، باید مورد تأکید بیشتر قرار گیرد.

تذکراتی چند

توجه داشته باشید، سخنان فوق هرگز به این معنا نیست که می توان و جایز است، معنای کلمات پر کاربرد را مستقل و خارج از عبارات و آیات قرآن آموزش داد. زیرا حتی اگر چنین کاری ممکن باشد، مفید نیست. حتماً کلمات باید به تدریج و در متن عبارات و آیات قرآن آموزش داده شوند.

عبارت و جمله ای کامل است که به کلمه و معنای آن، جان می بخشد و به زبان دیگر کلمه و معنای آن، معنادار می کند. زیرا در این صورت است که بین معنای یک کلمه جدید با سایر کلمات که معنای آن ها را قرآن آموز از قبل می دانسته است، ارتباط برقرار می شود. با برقراری ارتباط میان آموخته جدید و آموخته های قبلی، آموزش معنادار می شود و ساخت جدیدی از منظومه دانستنی ها برای فراگیرنده شکل می گیرد (شعبانی، ۱۳۷۹: ۲۲۵).^۴

آموزش معنای سایر کلمات نیست. سایر کلمات به تدریج و به اقتضای عبارات و جملات آموزش داده می شوند و در این میان، قرآن آموزان با معنای مجموعه ای از کلمات آشنا که ممکن است اتفاقاً از کلمات پر کاربرد قرآن نباشند، مجدداً آشنا می شوند. قابل ذکر است که کلمه آشنا کلمه ای است که یا عیناً با همان معنای قرآنی یا نزدیک به آن، در فارسی کاربرد دارد یا با توجه به آموخته های قبلی قرآن آموزان، معنای آن قابل حدس است.

برای مثال کلمات قرآنی زیر را می توان از کلمات آشنا به حساب آورد.

اسم، الله ← بسم الله

رب، عالمین ← رب العالمین

رسول ← محمد رسول الله

ولی، مؤمنین ← و الله ولی المؤمنین

اعمال ← لنا اعمالنا و لكم اعمالکم

خالق، کل، شیء ← الله خالق کل شیء

نور ← الله نور السماوات و الارض

کتاب ← کتاب انزلناه الیک

گاهی پس از آشنایی قرآن آموز با برخی از مسائل بسیار ساده و پر کاربرد صرف زبان عربی، می توان برخی از کلمات را از کلمات آشنا محسوب کرد. برای مثال، پس از آشنایی با علائم جمع سالم (ون، ین، ات) قرآن آموز معنای بسیاری از کلمات جمع سالم را خواهد دانست. با دانستن وزن اسم فاعل یا اسم مفعول، وزن های ساده و مشهور مصدر، جمع مکسر و... معنای این گونه کلمات را می توان حدس زد. همچنین، پس از آشنایی با وزن صیغه های پر کاربرد فعل ماضی و مضارع و دانستن معنای «خَلَقَ»، حدس معنای «خَلَقْتَ، خلقت، خلقتنا، یخلق و یخلقون» کار ساده ای است.

همان طور که گفته شد، در فرایند آموزش مفاهیم، آموزش معنای کلمات پر کاربرد بیشتر مورد تأکید است و البته این به معنای آموزش ندادن سایر کلمات نیست. به طور طبیعی این گونه کلمات در کنار کلمات پر کاربرد، در بسیاری از عبارات و جملات به کار می روند و آموزش داده می شوند؛ مانند: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً» (فرقان / ۱) در این آیه شریفه، دو کلمه «تبارک» و «فرقان» از سایر کلمات کم کاربردتر هستند، اما در کنار سایر کلمات آموزش داده می شوند.

شایان ذکر است، کلمات و عباراتی که در قرآن کریم کاربرد بیشتری دارند، عموماً از ساختار ساده تری برخوردارند و نیز به دلیل تکرار بیشتر، مهم ترین بخش معارف قرآن کریم را شامل می شوند. به عبارت دیگر، سازمان دهی محتوای آموزشی مفاهیم براساس کلمات پر کاربرد، به طور

کلمات و عباراتی که در قرآن کریم کاربرد بیشتری دارند، عموماً از ساختار ساده تری برخوردارند و نیز به دلیل تکرار بیشتر، مهم ترین بخش معارف قرآن کریم را شامل می شوند



غیرمستقیم، آموزش معارف اساسی قرآن را نیز شامل می‌شود و قرآن‌آموز می‌تواند این معارف دینی را به‌طور مستقیم از قرآن دریافت کند. این موضوع بسیار مهم و ارزشمند است.

عدم اتکا بر آموزش قواعد صرف و نحو زبان عربی به‌ویژه قواعد کم‌کاربرد

از آنجا که آموزش مفاهیم قرآن، مستقل از آموزش زبان عربی به‌ویژه به شیوه‌های رایج، انجام می‌شود، این آموزش مستقل از آموزش قواعد صرف و نحو سازمان‌دهی می‌شود. البته بدیهی است، آموزش زبان عربی می‌تواند در توسعه و تعمیق درک معنای آیات قرآن کریم، احادیث، مناجات و زیارات معصومین (علیهم‌السلام) مفید و مؤثر باشد. اما به این منظور، بسیاری از قواعد آموزش‌های رایج زبان عربی، کم‌کاربرد یا غیرضروری است. از قضا همین گروه از قواعد است که آموزش زبان عربی را - به‌ویژه برای عموم مردم - سخت و غیرجذاب کرده است. برخی از این قواعد که آموزش آن‌ها، یا به‌طور کلی یا حداقل در سطوح اولیه و میانی آموزش مفاهیم قرآن، ضرورت ندارد به شرح زیرند:

۱ آموزش مذکر یا مؤنث بودن اسم، ضمیر یا فعل: این امر نه‌تنها ضرورت ندارد، بلکه از آنجا که معمولاً آموزش مذکر و مؤنث با مرد و زن بودن همراه است، حتی گاهی موجب اختلال در معنا می‌شود. شاید بیش از سه‌چهارم اسما، ضمائر و افعال مؤنث در قرآن کریم و نیز در زبان عربی، هیچ ربطی به زن ندارد؛ مانند:

«قد جاء تکم موعظة من ربکم (یونس / ۵۷): فعل «جاءت» مؤنث است، اما درست مانند «جاء» معنا می‌شود و به‌دلیل فاعل آن، یعنی «موعظه» مؤنث آمده است. موضوعی که نه‌تنها در ترجمه کردن هیچ دخالتی ندارد، بلکه ممکن است توجه دادن به مؤنث بودن آن به‌ویژه برای افراد مبتدی موجب ابهام در ترجمه و درک معنا شود.

«قالت رسلهم افی الله شک (ابراهیم / ۱۰): در اینجا نیز توجه بی‌جهت به مؤنث بودن «قالت» در حالی که فاعل آن «رسل» است، فقط موجب اشکال می‌شود.

«و قال نسوة فی المدینة (یوسف / ۳۰): در اینجا، پس از آموزش‌های نابهنگام مذکر و مؤنث به قرآن‌آموزان، این سؤال پیش می‌آید که چرا برای زنان (نسوة) فعل مذکر آمده است؟! »

«انا جعلنا ما علی الارض زینة لهما (کهف /

۷): فهم تمام و کمال این عبارت قرآنی، نه به دانستن مؤنث بودن «ارض» نیازی دارد و نه به دانستن مؤنث بودن ضمیر «ها»؛ همچنین است در عبارت «ام علی قلوب افعالها» (محمد / ۲۴). از این گونه مثال‌ها و نمونه‌ها، در قرآن بسیار است.

۲ آگاهی و تسلط بر ۱۴ صیغه فعل ماضی، مضارع و امر: بسیاری از صیغه‌های افعال، نه‌تنها در قرآن کریم، بلکه در زبان عربی نیز کاربرد بسیار کمی دارند. در این صورت ضرورتی ندارد این گونه قواعد در سطوح اولیه و حتی میانی به عموم مردم آموزش داده شوند. اموری که نه‌تنها فایده ندارد بلکه موجب گریز از یادگیری و ترک آن نیز می‌شود. از سوی دیگر، قاعده یعنی چیزی که یک بار آموخته شود و بارها و بارها به کار گرفته شود، در حالی که در این گونه موارد کم‌کاربرد، قاعده‌آموزی بی‌معناست. شاید جالب باشد که بدانید، فعل ماضی «مخاطبة» (با ضمیر ت) تنها سه مورد و فعل ماضی «مخاطبات» (با ضمیر تَن) فقط پنج مورد در کل قرآن به کار رفته است. در این حال چه منطقی حکم می‌کند که ساخت این دو صیغه نیز در کنار سایر صیغه‌ها آموزش داده شود؟ جالب‌تر آنکه یک مورد از سه مورد فعل ماضی مخاطبة خطاب به جهنم است که ربطی به «زن» ندارد.^۱

۳ دانستن مجرد یا مزید بودن فعل: قرآن‌آموزان می‌توانند به تدریج با انواع فعل‌های مجرد و مزید آشنا شوند، بدون آنکه اطلاع دقیقی از مجرد یا مزید بودن آن‌ها داشته باشند. برای مثال، همان‌طور که می‌آموزند «خَلَقَ» فعل ماضی مفرد غائب است، یاد می‌گیرند که «ارسل» نیز چنین است و وقتی «خلقتنا» و ارتباط آن را با «خلق» آموختند، به راحتی ارتباط «ارسلنا» با «ارسل» را می‌فهمند. این ارتباط و یادگیری که بسیار مهم و قابل‌تعمیم درباره افعال مشابه است، هیچ ربط و نیازی به مجرد یا مزید بودن ندارد. پس چه ضرورتی دارد که با پیروی از عادت‌های آموزش سنتی صرف زبان عربی، این گونه یادگیری‌های بسیار پرکاربرد را تا زمان افعال ثلاثی مزید به تأخیر اندازیم؟! »

آموزش قواعد پرکاربرد و مفید صرف و نحو به شیوه کاربردی

با توجه به اصل قبل، در آموزش مفاهیم باید قواعد ساده و پرکاربرد صرف و نحو آموزش داده شوند. البته این آموزش باید در حاشیه آموزش مفاهیم باشد تا آن را تحت‌الشعاع قرار ندهد. به‌علاوه کاملاً به‌صورت کاربردی و با مثال‌های

بسیاری از صیغه‌های افعال، نه‌تنها در قرآن کریم، بلکه در زبان عربی نیز کاربرد بسیار کمی دارند. در این صورت ضرورتی ندارد این گونه قواعد در سطوح اولیه و حتی میانی به عموم مردم آموزش داده شوند



قرآنی انجام شود. برخی از این قواعد و روش ساده و کاربردی آموزش آن‌ها به شرح زیرند:

ه آموزش صیغه چهارم فعل ماضی: همان‌طور که می‌دانید، صیغه چهارم فعل ماضی، در قرآن و در زبان عربی بسیار کاربرد دارد. بدون هیچ توضیح خاصی می‌توان متذکر شد که گاهی پس از فعل ماضی مفرد غایب، حرف ساکن «ت» نیز اضافه می‌شود، اما این دو شکل به یک معنا هستند و یکسان ترجمه می‌شوند. ضمناً این آموزش دوطرفه است. یعنی حتی ممکن است ابتدا، فعل مفرد با «ت» ساکن معنا شود که انتظار می‌رود قرآن آموز همان فعل را بدون «ت» نیز بتواند معنا کند؛ مانند:

قال ← قالت: گفت

عمل ← عملت: انجام شد

حسنت ← حسن: زیبا شد

ارسل ← ارسلت: فرستاد

ساعت ← ساء: بد است

اتخذت ← اتخذ: گرفت

تمّ ← تمّمت: تمام شد

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، با افزودن یا کاستن حرف «ت» ساکن به آخر فعل ماضی غایب، فعل دیگری به دست می‌آید که کاملاً هم‌معنای آن است.

ه معنا کردن فعل جمع از روی فعل مفرد و بر عکس

جعل ← جعلوا

سجدوا ← سجد

ضلل ← ضلوا

اصلح ← اصلحوا

اتبعوا ← اتبع

استجابوا ← استجابوا

قتلوا ← قُتل

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، با افزودن یا کاستن ضمیر «و» فعل مفرد و جمع ماضی به یکدیگر تبدیل می‌شوند.

و در فعل مضارع نیز:

يجعل ← يجعلون

يفعلون ← يفعل

يشاء ← يشائون

يأتون ← يأتون

يتذكرون ← يتذكرون

تعلم ← تعلمون

تخرجون ← تخرج

تشاء ← تشاءون

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، با افزودن یا کاستن «ون» فعل مفرد و جمع مضارع به یکدیگر تبدیل می‌شوند.

و در فعل امر نیز:

اصبروا ← اصبر

اعبدوا ← اعبد

توكل ← توكلوا

جاهدوا ← جاهدوا

اتبعوا ← اتبع

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، با افزودن یا کاستن ضمیر «و» فعل مفرد و جمع امر به یکدیگر تبدیل می‌شوند. این‌ها نمونه‌هایی از قواعد ساده و پر کاربرد صرف و روش آموزش آن‌ها هستند که می‌توان در زمان مناسب در فرایند آموزش مفاهیم قرآن گنجاند و آموزش داد.

ه اکتفا به ترجمه از عربی به فارسی^۷

با توجه به هدف آموزش مفاهیم، قرآن آموز باید توانایی ترجمه عبارات و آیات را به زبان فارسی به دست آورد.

از این‌رو، محتوای آموزشی اعم از مطالب مربوط به درس یا تمرینات به‌نحوی انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود که موجب کسب مهارت ترجمه از عربی به فارسی باشد. قابل ذکر است که همیشه ترجمه از زبان دوم به زبان اول (زبان مادری)، به‌دلیل تسلط فرد به زبان مادری، ساده‌تر و عملی‌تر است. تا ترجمه از زبان مادری به زبان دوم. این امر موجب افزایش انگیزه و علاقه به درک معنای قرآن کریم و احادیث شریف می‌شود. در حالی که ترجمه از زبان فارسی به عربی برای عموم مردم که کارشناس این امر نیستند، به راحتی انجام نمی‌شود و با شوق و انگیزه همراه نیست.

ه شناخت به جای ساخت

با توجه به هدف آموزش مفاهیم و اصل فوق، قرآن آموزان بیشتر به تشخیص و شناخت زمان، صیغه و انواع فعل، و مفرد و جمع بودن اسم یا ضمایر نیازمند هستند تا آنکه فعلی را به شکل صحیح در ساختار یک جمله عربی ساخته و به کار ببرند. همچنین ساخت یک جمله صحیح در زبان عربی نیازمند تسلط نسبی به قواعد این زبان و ممارست در آن است. در حالی که ترجمه از عربی به فارسی - با توجه به توانایی عمومی قرآن آموزان در زبان فارسی - به راحتی صورت می‌پذیرد.^۸

همچنین است در شناخت و ساخت افعال معتل. همان‌طور که می‌دانید، در زبان عربی این‌گونه افعال و نیز اسم‌های مشتقی که از ریشه آن‌ها

ساخت یک جمله صحیح در زبان عربی نیازمند تسلط نسبی به قواعد این زبان و ممارست در آن است. در حالی که ترجمه از عربی به فارسی - با توجه به توانایی عمومی قرآن آموزان در زبان فارسی - به راحتی صورت می‌پذیرد





پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به‌علم برنامه‌ریزی درسی، ممکن است سؤال شود چرا به مباحثی چون مبانی، اهداف و اصول پرداخته نشده است. پاسخ این است که برخی از این مباحث مثل «اصول» در بخش‌های آینده خواهند آمد و برخی نیز مانند مبانی و اهداف به آن میزانی که ضروری است در دو فصل قبل بیان شده‌اند. همچنین در این کتاب که برای استفاده‌ی عموم است، طرح مسائل به‌صورت کاربردی مناسب‌تر از بیان آن‌ها در قالب‌های خاص نظری است.

۲. حسن شعبانی، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، چاپ دهم، تابستان ۱۳۷۹، انتشارات سمت، صفحه ۱۸۰.

۳. مانند مجموعه‌ی شش جلدی کتاب‌های «نفس با قرآن کریم»

۴. با استفاده از کتاب مبانی و روش‌های آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، صفحه ۴۳.

۵. با استفاده از کتاب مبانی و روش‌های آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، صفحه ۱۲۳.

۶. بوم نقول لجهنم هل امتلات (ق/ ۳۰).

۷. با استفاده از کتاب مبانی و روش آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، صفحه ۱۲۳.

۸. با استفاده از منبع پیشین، صفحه ۱۲۴.

منابع

۱. شعبانی، حسن (۱۳۷۹). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. سمت، تهران.

۲. مبانی و روش آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، کد کتاب: ۱۰۰/۸۲. دوره تربیت‌معلم، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

۳. برای آگاهی بیشتر به کتاب: قرآن و مثنوی، فرهنگ‌واره تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی، تدوین بهاء‌الدین خرمشاهی و سیامک مختاری مراجعه کنید.

ساخته می‌شود، کاربرد بسیاری دارد. اما فراگیری قواعد ساخت آن‌ها غالباً سخت، فزّار و خسته‌کننده است و موجب بی‌رغبتی به یادگیری زبان عربی و خدای ناکرده به یادگیری قرآن می‌شود. در حالی که شناخت این‌گونه افعال، به‌ویژه آن دسته که پرکاربرد هستند، بسیار ساده و به دور از تکلف است. برای نمونه به مثال‌های زیر توجه کنید:

قال، قالوا، قلت، قلنا ← یقول، یقولون، تقول، نقول
هدی، هدوا، هدیت، هدینا ← یهدی، یهدون، تهدی، نهدی، هادی، مهدی

رای، راوا، رایت، راینا ← یری، یرون، اری، نری
هرگاه این افعال بدون بیان هیچ قاعده‌ی مربوط به ساخت آن‌ها، به‌عنوان یک واژه آموزش داده شوند و در زمان مناسبی که قواعد ساده ساخت فعل ماضی و مضارع بیان می‌شوند، همراه با افعال صحیح و سالم بیایند، تکلف آموزش و یادگیری از میان برداشته می‌شود. از طریق شنیدن آهنگ و وزن آن‌ها به تدریج می‌توان برخی از همسانی‌ها در موارد مشابه را کشف کرد تا زمینه برای شناخت - و نه ساخت - موارد مشابه و حدس معنای صحیح فراهم آید.

از این‌رو در فرایند آموزش و سازمان‌دهی محتوا به‌ویژه در مرحله‌ی آموزش عمومی قرآن، ضرورتی به طرح این‌گونه قواعد نیست.

تأکید بیشتر بر مهارت‌های عملی نسبت به دانش نظری

فهم معنای آیات قرآن کریم و احادیث شریف برای عموم مردم بیش از آنکه به مجموعه‌ای از دانش‌های نظری، مانند صرف و نحو عربی یا دستور زبان فارسی نیازمند باشد، به مجموعه‌ای از مهارت‌های عملی و کاربردی نیاز دارد. معنای بسیاری از عبارات و جملات قرآن کریم بدون آشنایی با جمله‌ی فعلیه و اسمیه، فعل و فاعل، مبتدا و خبر و... قابل دریافت است. برای مثال، در ترجمه‌ی جمله‌ی اسمیه به فارسی از فعل ربط استفاده می‌شود. بدیهی است این فعل ربط با سایر اجزای جمله تناسب دارد، اما به آموزش این تناسب به‌صورت نظری نیازی نیست. قرآن آموز فارسی‌زبان، به‌دلیل آشنایی با زبان فارسی، به‌صورت ساده بدیهی است تناسب را رعایت می‌کند. فقط نیاز است که در پایان برخی از جمله‌ها از افعالی چون است، بود، هستم، هستی، هستند و... استفاده کرد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

الحمد لله: سپاس و ستایش برای خدا... [است]. (حمد/ ۲).

محمد رسول الله: حضرت محمد(ص) پیامبر خدا... [است] (فتح/ ۲۹).

وانی من المسلمین: و قطعاً من از مسلمانان... [هستم] (احقاف/ ۱۵).

واولئك من الصالحین: و ایشان از شایستگان... [هستند] (آل عمران، ۱۱۴).

انتم الفقراء الی الله: و شما نیازمند به خدا... [هستید] (فاطر/ ۱۵).

و نحن له عابدون: و ما برای او عبادت‌کننده... [هستیم] (بقره/ ۱۳۸).

همچنین آنچه که در اصل قبل درباره‌ی شناخت افعال معتدل بیان شد، نمونه‌ی بارز دیگری از اهمیت تأکید بر مهارت‌های عملی نسبت به دانش نظری است.

تمرین و یادآوری

محتوای دروس به گونه‌ای باید انتخاب و سازمان‌دهی شود که به‌شیوه‌ی مناسبی، مطالب آموخته‌شده دروس قبل اعم از واژگان، ساختارهای آموخته‌شده، جملات، قواعد پرکاربرد صرف و نحو... در فرایند آموزش یادآوری و تمرین شود. بدیهی است که یادآوری و تمرین از مهم‌ترین عوامل تثبیت و تعمیق یادگیری است.

توجه به تفکیک ناپذیری قرآن کریم و اهل بیت گرامی پیامبر اکرم (علیهم السلام)

هر چند موضوع اصلی این آموزش، آموزش درک معنای آیات قرآن کریم است، اما هیچ آموزشی از ارائه‌ی معارف و آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و... خالی نیست. از این‌رو آنچه از طریق آموزش مفاهیم قرآن طرح می‌شود، باید با معارف و آموزه‌های امامان معصوم (علیهم السلام) سازگار و در راستای تعالیم بنیادین این بزرگواران باشد، و نیز علاوه بر این سازگاری، حتی به‌طور مستقیم به تناسب محتوا، از احادیث و آموزش‌های گفتاری و رفتاری ایشان نیز استفاده شود.

قابل ذکر است، آموزش مفاهیم فرابندی است که در آن دستیابی به درک معنا و معارف قرآن کریم و توانایی بهره‌گیری از آثار ائمه معصومین (علیهم السلام) در قالب سخنان، مناجات، ادعیه و زیارات ایشان، توأمان فراهم می‌شود.